

## نقش و جایگاه کلبعلی خان کنگرلو نخجوانی در جنگ‌های دوره اول ایران و روس در قفقاز

فاطمه جعفرنیا<sup>۱</sup>

محمد عزیزنژاد<sup>۲</sup>

**چکیده:** دوره دوم حکمرانی کلبعلی خان از امرای متنفذ خاندان کنگرلو بر نخجوان (حک: ۱۲۱۹-۱۲۳۵ق/ ۱۸۰۴-۱۸۲۰م)، مقارن با جنگ‌های اول ایران و روسیه بود. او در آغاز این جنگ‌ها، به همکاری با سرداران نظامی روس پرداخت، اما در اثنای جنگ ایروان (۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م)، به حکومت قاجاریه گرایش یافت. این سؤال مطرح است که: علل گرایش کلبعلی خان در آغاز جنگ به روس‌ها و سپس چرخش او به ایران و در ادامه تردید در همکاری با حکومت قاجاریه چه بود؟ این مسئله با تکیه بر مجموعه نسخ خطی مکاتبات خاندان کنگرلو و منابع تاریخی قاجار و اسناد روسی بررسی شده است. نتیجه آنکه کلبعلی خان برای مقابله با سیاست حذف و ادغام نخبگان محلی در ساختار حکومت یکپارچه ایران با هدف بقای سیاسی خود، به روس‌ها گرایش یافت که برآیند آن عزل او توسط آقامحمدخان از حکمرانی نخجوان بود. در مقابل، سیاست ملایم فتحعلی شاه توأم با وعده حکمرانی نخجوان و حضور گروگانی از خانواده او در دربار قاجار، به گرایش کلبعلی خان به حکومت ایران منتهی شد. البته این همکاری به علت رفتار مذدب کلبعلی خان با بدگمانی متقابل استمرار داشت.

**واژه‌های کلیدی:** آذربایجان، کلبعلی خان کنگرلو، نخجوان، قفقاز، روسیه، ایران

شناسه دیجیتال (DOI): 10.61186/pte.16.60.1

۱ استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). F.Jafarniya@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-3818-6221>

۲ دکتری تاریخ ایران اسلامی، اردبیل، ایران. Maziznejad63@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0001-3414-1149>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

## **The Role and Position of Kalbalikhan Kangarloo Nakhjavani in the First Round of Iranian-Russian Wars in the Caucasus**

Fatemeh Jafarniya<sup>1</sup>  
Mohammad Aziznejad<sup>2</sup>

**Abstract:** The second period of the rule of Kalbalikhan (1219-1235 AH/1804-1820 AD), one of the powerful rulers of the Kangarloo Dynasty over Nakhjavan, coincided with the first round of wars between Iran and Russia. At the beginning of these wars, he cooperated with Russian military commanders, however, during the war of Yerevan (1219 AH/1804 AD), he turned to the Qajar government. So the question is raised that “What were the causes of Kalbalikhan's inclination towards the Russians before the war, and then his turning to Iran and continuing to hesitate to cooperate with the Qajar government?” This issue has been investigated based on the collection of manuscripts of the Kangarloo family's correspondences, Qajar historical sources, and Russian documents. The findings shows that Kalbalikhan turned to the Russians to deal with the policy of eliminating and integrating local elites in the structure of the unified government of Iran with the aim of his political survival, which resulted in his dismissal from the Nakhjavan government by Agha Mohammad Khan. In contrast, Fath Ali Shah's tolerant policy, along with the promise of Nakhjavan's rule and the presence of hostages from his family in the Qajar court, led to Kalbalikhan's inclination towards the government of Iran. However, this cooperation continued along with mutual suspicion due to Kalbalikhan's erratic behavior.

**Keywords:** Azarbaijan, Kalbalikhan Kangarloo, Nakhjavan, Caucasus, Russia, Iran.

DOI: 10.61186/pte.16.60.1

1 Assistant Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author). F.Jafarniya@pnu.ac.ir <https://orcid.org/0000-0002-3818-6221>

2 PhD in the history of Islamic Iran, Ardabil, Iran. Maziznejad63@gmail.com  
<https://orcid.org/0009-0001-3414-1149>

Receive Date: 2023/08/14 Accept Date: 2024/04/16

## مقدمه

جنگ‌های ایران و روسیه در اوایل سده سیزدهم قمری، از وقایع سرنوشت‌ساز حکومت نوپای قاجاریه محسوب می‌شود. در متن این رویداد، بازیگران خرد و کلان نقش عمده‌ای داشتند. امرا و خوانین محلی قفقاز که از دیرباز تحت تابعیت حکومت‌های مرکزی ایران قرار داشتند، در جریان جنگ‌های ایران و روسیه، از خرده بازیگران مهم محلی محسوب می‌شدند که نقش انکارناپذیری در این وقایع تاریخی ایفا کردند. امرا و خوانین محلی کنگرلو نخجوان، در زمره این بازیگران محلی بودند که قلمرو آنان به عرصه درگیری قوای ایران و روس تبدیل شد. امرای این خاندان متناسب با منافع سیاسی، فردی و ایلی، وارد ارتباط با این دو قدرت شدند. کلبعلی‌خان از امرای بانفوذ خاندان کنگرلو نیز وارد ائتلاف سیاسی با حکومت‌های ایران و روسیه شد. شناخت جایگاه کلبعلی‌خان در جنگ‌های دوره اول ایران و روسیه و بررسی ماهیت سیاست دوگانه او در ارتباط با حکومت‌های مزبور، از ضرورت‌های این پژوهش است. با توجه به مسائل گفته‌شده، این سؤالات مطرح است که: در آغاز جنگ ایران و روس، علل گرایش کلبعلی‌خان به روس‌ها و سپس چرخش او به حکومت ایران چه بود؟ و فرایند همکاری او با حکومت قاجار چگونه بود؟

داده‌های تاریخی این تحقیق با اتکا به مجموعه نسخ خطی مکاتبات خاندان کنگرلو نخجوانی، اسناد روسی و منابع تاریخی دوره قاجاریه، جمع‌آوری شده است. گفتنی است شناخت جایگاه خاندان‌های حکومتگر محلی قفقاز در وقایع تاریخی جنگ‌های ایران و روسیه، با اتکای صرف بر منابع تاریخی دوره قاجاریه، به سبب ارائه گزارش‌های ناقص، کاری دشوار است، اما اسناد مکاتبات تاریخی از جمله منابع مهمی است که می‌تواند راهگشا باشد. در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی مجموعه نسخ خطی ارزشمندی با عنوان «فرامین سلاطین و امراء و حکام نادرشاه، سلطان حسین صفوی، کریم‌خان زند، فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا و عده‌ای از امراء و حکام قاجار» نگهداری می‌شود. این مجموعه درباره جایگاه خاندان حکومتگر محلی کنگرلو

۱ فهرست‌نویسان کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی روی صفحه اول این مجموعه نسخه خطی عنوان «سواد فرامین سلاطین و امراء و حکام نادرشاه، سلطان حسین صفوی، کریم‌خان زند، فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا و عده‌ای از امراء و حکام قاجار» با شماره ۳۳۱ را درج و ثبت کرده‌اند. حال در آخرین برگ نسخه، نام اثر به صورت «فرامین سلاطین قاجاریه و غیره به‌خانواده کلبعلی‌خان ایروانی» درج شده و اکثر این فرامین و ارقام نیز مختص به خاندان کنگرلو نخجوانی صادر شده است. همچنین کاتب این مجموعه نسخه خطی را هم مشخص نکرده است.

در نخجوان و روابط امرای این دودمان با دول ایران و روسیه در وقایع جنگ‌های اول و دوم، حاوی اسناد ارزشمندی است. در بحث روابط کلبعلی‌خان با روسیه، عمدتاً از کتاب مجموعه اسناد روسی معروف به (AKAK)<sup>۱</sup> استفاده شده است. مجلدات این کتاب اسنادی، حاوی نامه‌های متبادله امرای خاندان کنگرلو با سرداران نظامی روس در گرجستان دربارهٔ تحولات قفقاز است.

### پیشینه پژوهش

در ارتباط با شخصیت کلبعلی‌خان و خاندان کنگرلو، می‌توان به برخی پژوهش‌ها اشاره کرد؛ در مقاله «سیاست کلبعلی‌خان کنگرلو نخجوانی در قبال حکومت آقامحمدخان قاجار (از هم‌گرایی تا واگرایی)»<sup>۲</sup> صرفاً به رویکرد سیاسی کلبعلی‌خان در دوره اول حکمرانی او بین سال‌های (۱۲۰۲-۱۲۱۱ق/ ۱۷۸۸-۱۷۹۷م) تا حکومت آقامحمدخان پرداخته شده است. نویسندهٔ مقاله «تحلیل و بازخوانی فرامین فتحعلی‌شاه در مجموعه خطی سواد فرامین سلاطین و امرا و حکام»<sup>۳</sup>، ۲۲ نسخه از فرمان‌های فتحعلی‌شاه به کلبعلی‌خان و امرای خاندان کنگرلو مندرج در این مجموعه را بازخوانی کرده و تحلیل کوتاهی هم دربارهٔ روابط خاندان کنگرلو با فتحعلی‌شاه در اثنای جنگ ایران و روس از منظر این مکاتبات ارائه کرده است. در مقاله «نقش و مواضع محمدخان قاجار ایروانی در نخستین جنگ‌های ایران و روسیه»<sup>۴</sup> به برخی از وقایع مرتبط با نقش کلبعلی‌خان در جریان جنگ ایروان بین ایران و روس اشاره شده است. محمد عزیززاد نیز در رساله دکتری خود به برخی اختلافات مرزی حاکم ایروان با روس‌ها و نقش کلبعلی‌خان پرداخته است.<sup>۵</sup>

→ البته کاتب این مجموعه، فردی از اهل نخجوان به نام میرزا علی‌بیگ کنگرلو نخجوانی است که منشی دیوانخانهٔ خاندان کنگرلو در نخجوان همزمان با جنگ‌های ایران و روس در قفقاز بوده است. گفتنی است مجموعهٔ مذکور با بازخوانی، تصحیح و تحشیه نگارندگان مقاله در ایام آتی در قالب کتاب چاپ خواهد شد.

1 Akty sabrannye Kavkazskoiu Arkheograficheskoiu Kommissieiu (AKAK)

«اسناد اداره روسیه قفقاز: اقدامات کمیسیون باستان‌شناسی قفقاز»

۲ فاطمه جعفرنیا و محمد عزیززاد (تابستان ۱۴۰۱)، «سیاست کلبعلی‌خان کنگرلو نخجوانی در قبال حکومت آقامحمدخان قاجار (از هم‌گرایی تا واگرایی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، ش ۲، صص ۱-۱۹.

۳ مریم ثقفی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «تحلیل و بازخوانی فرامین فتحعلی‌شاه در مجموعه خطی سواد فرامین سلاطین و امرا و حکام»، نشریه پیام بهارستان، ش ۲۶، صص ۵۵-۸۴.

۴ محمد عزیززاد و رضا دهقانی (زمستان و بهار ۱۳۹۴-۱۳۹۵)، «نقش و مواضع محمدخان قاجار ایروانی در نخستین جنگ‌های ایران و روسیه»، فصلنامه تاریخ ایران، ش ۹، صص ۱۸۷-۲۱۳.

۵ محمد عزیززاد (۱۳۹۵)، «مناسبات خان‌های ایروان با حکومت‌های ایران، عثمانی، روسیه و گرجستان از پایان دولت نادرشاه افشار تا عهدنامه ترکمانچای (۱۸۲۸-۱۷۴۷م/۱۲۴۳-۱۶۰۰ق)»، رساله دکتری، دانشگاه تبریز.

مقاله «سیاست عثمان‌گرایی تا روس‌گرایی در مناسبات جعفرقلی‌خان دنبلی با حکومت قاجاریه»<sup>۱</sup> به جنبه‌هایی از روابط کلبعلی‌خان با جعفرقلی‌خان در ارتباط با جنگ ایران و روس اشاره شده است.

در کتاب حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار، درباره نقش کلبعلی‌خان در جنگ دوره اول ایران و روسیه مطالب خاصی ارائه نشده است.<sup>۲</sup> گفتنی است همچنین تحقیقات جدیدی از سوی پژوهشگران جمهوری آذربایجان اغلب با عنوان *نخجوان خانلیگی* درباره خاندان کنگرلو انجام شده است. مقاله «نخجوان خانلیگی» نورا علی‌اکبر اوغلو و فریده عالی‌یولداش قیزی در دائرةالمعارف جلد هفتم تورکلر؛<sup>۳</sup> کتاب *نخجوان خانلیگی ۱۷۴۷-۱۸۲۸* از فؤاد علی‌یف و میرعبدالله علی‌یف<sup>۴</sup> و تاریخ سیاسی دیار نخجوان از صاحبه بوداقووا<sup>۵</sup> و علائق و مواضع نظامی - سیاسی خان‌نشین نخجوان در قفقاز از موسی قلی‌یف<sup>۶</sup> از این دسته تحقیقات‌اند که صرفاً نقش امرای خاندان کنگرلو در جنگ‌های ایران و روسیه را از منظر اسناد و منابع روسی بررسی کرده‌اند. جورج بورتونیان از پژوهشگران معروف حوزه تاریخ قفقاز، آثار مختلفی در این حوزه تألیف کرده است. در کتاب *از گرتا ارس*<sup>۷</sup> به تاریخ عملیات نظامی روسیه در قفقاز جنوبی و جنگ اول ایران و روس (۱۸۰۱-۱۸۱۳م) از منظر اسناد و مدارک روسی و ایرانی پرداخته شده و اطلاعات ارزنده‌ای درباره نقش کلبعلی‌خان در جنگ‌های ایران و روس در حوالی قلعه ایروان ارائه شده است. البته نویسنده از ارتباط او با حکومت قاجاریه غفلت ورزیده است. در فصل اول کتاب *خان‌نشین ایروان در عصر قاجار (۱۷۹۵-۱۸۲۸)* نیز در بحث از نزاع ایران و روسیه برای ایروان، به نقش کلبعلی‌خان بسیار به اختصار اشاره کرده است.<sup>۸</sup> کتاب بررسی روس‌ها از خان‌نشین نخجوان

۱ فاطمه جعفرنیا و محمد عزیززاد (بهار ۱۴۰۰)، «سیاست عثمان‌گرایی تا روس‌گرایی در مناسبات جعفرقلی‌خان دنبلی با حکومت قاجاریه»، *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، ش ۱، صص ۶۹-۸۸.

۲ علی پورصفر (۱۳۷۷)، *حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

3 Nuru Alekperoglu. A & Faride Aliyoldaşkızi. A (2002), *Nahçıvan Hanlığı, Türkler*, Cilt.7, Ankara: Yeni Türkiye Yayınları.

4 Əliyev, Fuad və Mirabdulla Əliyev (1996), *Naxçıvan Xanlığı*, Bakı: Şərq-Qərb.

5 Budaqova, Sahibə (2014), *Naxçıvan Diyarının Siyasi Tarixi*, Bakı: Elm və Təhsil.

6 Quliyev, Musa (2013), *Naxçıvan xanlığının Qafqazda hərbi-siyasi mövqeyi və əlaqələri*, Naxçıvan: Əcəmi Nəşriyyat.

7 Bournoutian, George (2020), *From the Kur to the Aras (A Military History of Russia's Move into the South Caucasus and the First Russo-Iranian War, 1801-1813)*, Leiden Boston: Brill.

۸ جورج بورتونیان (۱۴۰۲)، *خان‌نشین ایروان در عصر قاجار (۱۷۹۵-۱۸۲۸ میلادی)*، ترجمه حسن اسدی، تهران: شیرازه کتاب‌ما.

(۱۸۳۹-۱۸۳۲) از جمله تحقیقات اسنادی مهم بورنوتیان درباره ساختار جمعیتی و اقتصادی نخجوان است. در واقع، این کتاب گزارشی جامع از سرشماری جمعیتی و نظام اداری-دیوانی ولایت نخجوان است که توسط مأموران اداری روسی پس از الحاق نخجوان به حکومت روسیه انجام شده است. البته این تحقیق اسنادی نیز به موضوع پژوهش حاضر ورود نکرده است. بر همین اساس، نگارندگان این جستار در صدد بوده‌اند با تکیه بر اسناد و منابع ایرانی و روسی، با رویکرد توصیفی-تحلیلی مسئله مقاله حاضر را واکاوی کنند.

### رویکرد کلبعلی‌خان در قبال سیاست روس‌ها در آستانه جنگ با ایران

حیات سیاسی کلبعلی‌خان را می‌توان به دو دوره مجزا تقسیم کرد. در دوره نخست حکمرانی (حک: ۱۲۰۲-۱۲۱۱ق/ ۱۷۸۸-۱۷۹۷م)، در قبال حکومت آقامحمدخان الگویی از سیاست هم‌گرایی و همراهی از خود نشان داد، اما پس از مدتی با شناخت کامل از ماهیت اهداف سیاسی شاه قاجار مبنی بر حذف حکام محلی و شدت خشونت عمل در برخورد با خوانین منطقه، در سیاست خود با حکومت قاجار تجدید نظر کرد. بر همین اساس، برای مقابله با سیاست ادغام نخبگان محلی در ساختار حکومت مرکزی و استمرار حکمرانی خود، در خفا با روس‌ها سازش کرد (جعفرنیا و عزیزنژاد، ۱۴۰۱: ۱۵)، اما خان قاجار (۱۲۱۱ق/ ۱۷۹۷م) او را به جرم خیانت و همکاری پنهان با روسیه محکوم و از نعمت بینایی محروم کرد؛ همچنین از حکمرانی نخجوان و ریاست ایل کنگرلو عزل و در تهران زندانی کرد (Shopen, 1852: 164-165). در مقابل، مناصب و امتیازات سیاسی او را به عباسقلی‌خان کنگرلو (حک: ۱۲۱۱-۱۲۱۹ق/ ۱۷۹۷-۱۸۰۴م) واگذار کرد (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۲۳۶/۹). فتحعلی‌شاه قاجار حکمرانی عباسقلی‌خان بر نخجوان را تأیید کرد و به تقاضای او مبنی بر آزادی و تحویل کلبعلی‌خان نیز پاسخ مثبت داد. عباسقلی‌خان عملاً با این کار رقیب ایلی‌اش را تحت نظر خود در نخجوان زندانی کرد، اما جناح هواخواه خان معزول، در سال ۱۲۱۴ق/ ۱۸۰۰م. موفق به فراری دادن کلبعلی‌خان به ایروان شد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۴۹-۵۰). کلبعلی‌خان ایروان را به سبب رابطه خویشاوندی با خاندان حکومتگر محلی ایروان و داشتن مواضع مشترک علیه حکومت قاجار، به عنوان کانون فعالیت خود برگزید<sup>۱</sup> (همو، ۵۰)؛ چنان‌که بزرگان ایروان نیز «لازمه حرمت و احترام درباره کلبعلی‌خان» را به عمل

۱ خواهر محمدخان قاجار حاکم ایروان، همسر کلبعلی‌خان بود.

می‌آوردند (همان‌جا). بنابراین با استقرار خان کنگرلو در ایروان، دوره دوم حیات سیاسی او آغاز شد. به قول «میرزا آدی گوزل بیگ» از تاریخ‌نگاران محلی قراباغ، کلبعلی خان از سال ۱۲۱۴-۱۲۱۹ق/ ۱۸۰۰-۱۸۰۴م. عملاً حکمرانی ایروان را به سبب کم‌تجربگی و جوانی محمدخان قاجار در اختیار داشت و حاکم ایروان در مسائل اداری تابع نظر او بود (Mirzə Adi gözəl bəy, 2006: 77). میرزا یوسف قراباغی نیز نظری مشابه با میرزا آدی گوزل بیگ داشته و نوشته است: «اگرچه محمدخان حاکم بالاستقلال ایروان بود اما رتق و فتق مهمات و قبض و بسط کارها را به رأی و صوابدید کلبعلی خان منوط و مربوط داشته با مصلحت و مشورت او کار می‌نمود» (۱۳۹۰: ۲۰۵).

در این برهه، قدرت ایران در قفقاز به سبب گرفتاری فتحعلی‌شاه در سرکوب مخالفان داخلی، کاهش یافته بود (جعفرنیا و عزیزنژاد، ۱۴۰۰: ۱۱۷). روسیه نیز با اطلاع از این امر که هنوز اقتدار شاه جدید بر خوانین منطقه تثبیت نشده است، درصدد جلب اعتماد آنان برآمد. حتی برای آرام کردن ترس خان‌ها، اطمینان داد که روسیه هیچ طرحی علیه قلمرو آنها ندارد. روس‌ها به خوبی می‌دانستند که اکثر آنها خواهان خودمختاری از حکومت قاجار می‌باشند. تهدیدهای شاه علیه خان‌ها و وضعیت ناپایدار سیاسی ایران، کار روس‌ها را تا حدودی آسان کرده بود. روس‌ها با خان‌ها به عنوان یک نهاد مستقل رفتار می‌کردند (Bournoutian, 2020: 34) و خان‌ها نیز از پذیرش فتحعلی‌خان قاجار به عنوان شاه ایران خودداری می‌کردند (اسنادی از روابط ایران و روسیه، ۱۳۸۷: ۴۶۳). بنابراین روس‌ها برای دفاع از گرجستان در برابر تهاجم احتمالی ارتش ایران از مسیر ایروان و گنجه، درصدد جلب خوانین آنان برآمدند. تزار الکساندر روس با ملاحظه مسیر حرکت قوای ایران به تفلیس از طریق ایروان و گنجه، به فرمانده کل قوای روسیه قفقاز دستور داد ابتدا باید وفاداری این دو خان را تضمین کند (Dubrovin, 1886: 3/440). از این رو، سیسیانف برای تأمین امنیت گرجستان، درصدد متقاعد کردن خان‌های ایروان و گنجه برآمد تا پادگان‌های روسی را در قلعه‌های آنها مستقر سازند (AKAK, 1866: 1/618-619). روس‌ها با توجه به اعلام وفاداری حاکم گنجه به شاه ایران، درصدد برآمدند (doc.840). محمدخان قاجار و کلبعلی‌خان را به مدار روسیه بیاورند. اگرچه ابتدا هر دو خان پاسخ مثبت دادند، اما در اثنای جنگ ایروان، از انجام تعهدشان خودداری کردند (AKAK, 1866: 1/616-617) (doc.848); 1/624). کلبعلی‌خان به سیاست‌های روسیه در منطقه و وعده‌های آنان



رویکرد تردیدآمیزی داشت؛ زیرا قبلاً تاوان اشتباه سیاسی خود را در همکاری با حکومت روسیه پرداخته بود. همچنین اشغال «پمبک» و «شوره‌گل» از نواحی ایروان توسط قوای روسی، سایه‌ای از بی‌اعتمادی بر روابط او با روس‌ها انداخته بود؛ چنان‌که در سال ۱۲۱۵ق/۱۸۰۱م. در اعتراض به اشغال این نواحی، سکنه پمبک و شوره‌گل را تشویق به مهاجرت به ایروان کرد و مصمم به مقابله با سیاست روس‌ها شد، اما به سبب پیام تهدیدآمیز روس‌ها، مجبور به عقب‌نشینی از مواضعش گردید (AKAK, 1866: 1/598-599 (doc.799&803)). در عوض، به رایزنی سیاسی روی آورد و در نامهٔ سال ۱۲۱۷ق/۱۸۰۲م. به روس‌ها اظهار داشت: «چنین تصور می‌کنید که گویا من نامه تهدیدآمیز به اهالی پمبک فرستاده‌ام! حال آنکه ما از آنان راضی هستیم و دلیلی برای این کار نیست، اما حضور قوای شما در خاک ما اقدام صحیحی نیست و می‌خواهم پمبک را ترک کنید» (AKAK, 1866: 1/516-517 (doc.625)). همچنین در اعتراض به اشغال ناحیهٔ شوره‌گل، از روس‌ها خواستار توضیح شد (AKAK, 1866: 1/517-518 (doc.626))، اما روس‌ها مکاتبات کلبعلی‌خان را با تهدید نظامی پاسخ دادند (Dobrovin, 1886: 3/402). حتی خان نخجوان را از اقدام نظامی علیه پاشای قارص برحذر داشتند، اما کلبعلی‌خان در نامه‌ای (۱۲۱۷ق/۱۸۰۲م) به سردار روس، علل تنش مرزی با پاشای قارص را مداخلهٔ او در امور داخلی ایروان، حمایت از مخالفان سیاسی، غارت روستاها و اموال بازرگانان تبعهٔ ایروانی ساکن قارص عنوان کرد و شروط مصالحه با او را بازگرداندن اهالی قاراپایاق ایروان، تحویل اموال تجار ایروان و بازسازی قرای تابع ایالت ایروان منوط کرد (AKAK, 1866: 1/625-626 (doc.855)). البته روس‌ها این بار هم جلوی جاه‌طلبی خان کنگرلو را با کمک نظامی به پاشای قارص گرفتند (AKAK, 1866: 1/626 (doc.857))؛ زیرا ادعای ارضی بر ناحیهٔ پمبک و انتخاب مسیر قوای ایروان از این نقطه برای حمله به قارص، روس‌ها را به همکاری با پاشای قارص مجاب ساخت (Ibid, 1/627). در واکنش به این اقدام خصمانهٔ روس‌ها، کلبعلی‌خان و حاکم ایروان با طرح پاشای آخسقه و الکساندر میرزای گرجی علیه سیاست استعماری روسیه و پاشای قارص، اعلام همکاری کردند و کمک‌هایی در اختیار پاشای آخسقه گذاشتند، اما روس‌ها آنان را از هرگونه درگیری و ماجراجویی برحذر داشتند (AKAK, 1868: 2/892-893 (doc.1820)).

ژنرال سیسیانف فرمانده جدید قوای روسی قفقاز، برای رفع آسیب‌پذیری تفلیس از سمت ایروان در جنگ آتی با نیروهای ایرانی، شروع به مکاتبات برای جلب خونین ایروان و نخجوان



کرد. او قصد داشت با اشغال ایروان، نگرانی امپراتور در مورد نزدیکی ایروان به تفلیس را کاهش دهد (Bournoutian, 2020: 61). سیسیانف اختلاف بر سر منصب خلیفه‌گری کلیسای اوچمیدازین را بهانهٔ مداخله در امور ایروان قرار داد (عزیزنژاد و دهقانی، ۹۴-۱۳۹۵: ۱۹۴). به این منظور صدراعظم روسیه نامه‌ای (۱۲۱۷ق/۱۸۰۲م) به حاکم ایروان و کلبعلی‌خان نوشت و از آن دو خواست دانیل گزینۀ مورد نظر روس‌ها را به عنوان خلیفه‌گری جدید قبول کنند (AKAK, 1866: 1/549-550 (doc.686)). علاوه بر آن، در نامه‌ای دیگر (۱۲۱۸ق/۱۸۰۳م) آن دو را به اتحاد و همکاری با روسیه دعوت کرد و حتی حکم صدراعظم روسیه را برای آنان ارسال کرد و افزود که خلیفه‌گری دانیل مورد حمایت تزار روسیه و سلطان عثمانی است (AKAK, 1868: 2/609 (doc.1214)). او با اطلاع از نفوذ کلبعلی‌خان بر حاکم ایروان، درصدد ارتباط با او برآمد تا با استفاده از نفوذش، دانیل را به مقام خلیفه‌گری انتخاب کند (AKAK, 1868: 2/633 (doc.1270)). کلبعلی‌خان در نامه‌ای به سیسیانف (۱۲۱۸ق/۱۸۰۳م) نظرش را دربارهٔ همکاری با روسیه چنین بیان کرد: «من آنان (حکومت قاجار) را خوب می‌شناسم و به آنان زیاد خدمت کردم، اما در مقابل، آنان چشم‌هایم را درآوردند. اگر بدانم که قوای روسی منطقه را ترک نخواهد کرد- همان‌گونه که قوای گراف زیوف بازگشت و به تبع آن دشمنان خانه‌هایمان را محو و نابود کردند- در آن صورت به روس‌ها خدمت خواهم کرد» (Ibid). او در نامهٔ مشابهی به اسقف تفلیس، با اعلام بیزاری از حکومت ایران، اظهار داشت: «اگر آنان خدا هم باشند تن به اطاعت از آنان نخواهم داد» (AKAK, 1868: 2/634 (doc.1271)). در این نامه دوباره به نگرانی خود از ترک قوای روسی از منطقه به‌سان وقایع سال ۱۲۰۹ق/۱۷۹۵م، اشاره کرد و افزود: «اگر دقیقاً بفهمم که روس‌ها گرجستان را ترک نخواهند کرد، در آن صورت به روس‌ها خدمت خواهم کرد» (Ibid). او وعدهٔ بازگرداندن دانیل خلیفهٔ مورد حمایت روسیه از نخجوان را به سیسیانف داد (AKAK, 1868: 2/633 (doc. 1270)). اما امتناع حاکم ایروان از اجرای فرمان روسیه، بهانه لشکرکشی به ایروان و تقابل نظامی قوای ایران با روس‌ها را مهیا کرد.

### جنگ ایروان و تکاپوی کلبعلی‌خان برای امتیازگیری از دول ایران و روس

حکومت قاجار با اطلاع از مکاتبات خوانین ایروان و نخجوان با سیسیانف، ابتدا سعی کرد از راه نامه‌نگاری آن دو را از همکاری با روس‌ها بازدارد؛ چون قلعهٔ ایروان در حقیقت کلید

باب مملکت ایران بود (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۸۲). قنعلی‌شاه به هر دو خان اطلاع داد که اگر درهای قلعهٔ ایروان را به روی ارتش قاجار باز نکنند، گروگان‌های آنها را خواهد کشت (AKAK, 1868: 2/611-612 (doc.1221)). همچنین قوایی را به فرماندهی عباس‌میرزا برای ممانعت از تسلیم قلعه به روس‌ها به آن سو اعزام کرد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۹۵/۱-۱۹۶؛ وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۸۲-۸۳؛ افشار، ۴۶-۴۷: ۱۳۴۵: ۳۱۷). سیسیانف نیز حاکم ایروان و کلبعلی‌خان را متهم به دورویی کرد که به هر دو حکومت متخاصم پیام وفاداری می‌فرستند. او شروط خود برای تضمین منافع آنان را تعیین دانیل به خلیفه‌گری اوچمیادزین، استقرار ارتش روس در قلعهٔ ایروان، سوگند وفاداری به امپراتور روسیه و پرداخت خراج سالانه اعلام کرد. در عوض، وعدهٔ حمایت امپراتور از آنان در برابر دشمنان را داد (AKAK, 1868: 2/613 (doc.1224); 2/634 (doc.1272)).

کلبعلی‌خان با اتخاذ سیاست دوگانه و وعدهٔ وفاداری همزمان به روسیه و ایران، در برزخ تهدید آنها گرفتار شده بود. او با توجه به تجارب سیاسی تلخ و زخمی که از آقامحمدخان به یادگار داشت، در ابتدا به سیاست شاه جدید قاجار اعتمادی نداشت، از ماهیت استعماری روس‌ها نیز آگاه بود و با برقراری ارتباط همزمان با ایران و روس، سعی داشت بیشترین امتیاز سیاسی را از طرف‌های درگیر به دست آورد. حضور عباسقلی‌خان کنگرلو حاکم نخجوان و رقیب ایلی او در اردوگاه قاجار، مانعی دیگر در گرایش او به حکومت ایران بود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۹۵/۱-۱۹۶؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۲۹/۹-۷۵۳۰).

گفتنی است رویکرد کلبعلی‌خان در بحبوحهٔ جنگ ایروان، در مقابل قاجاریه به تدریج از سیاست تقابل به تعامل تغییر پیدا کرد. او نخست با همکاری حاکم ایروان، با اتخاذ سیاست روس‌گرایی، از قبیل دعوت از سیسیانف به قلعه ایروان و کوچاندن ایلات کنگرلو و قاجار به داخل قلعه ایروان و خاک عثمانی، رویکرد تقابلی در پیش گرفت (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۸۴؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۳۲/۹)، اما شکست نیروهای روسی در نبرد اوچمیادزین از قشون قاجار، ارسال پیام‌های تهدیدآمیز توأم با لحن آمرانه سیسیانف مبنی بر تسلیم قلعه ایروان و یادآوری سرنوشت تلخ حاکم گنجه، در بازنگری سیاست کلبعلی‌خان نسبت به روس‌ها بی‌تأثیر نبود (عزیزنژاد و دهقانی، ۹۴-۱۳۹۵: ۲۰۳). همچنین کلبعلی‌خان شناخت نسبی از روس‌ها داشت و بیشتر توان همکاری با آنان را با از دست دادن چشم‌هایش پرداخته بود. بر همین اساس، شرط خدمتگزاری خود به روسیه را به حضور دائمی آنها در قفقاز منوط کرد و نگرانی خود از ترک مجدد منطقه

توسط سیسیانف همچون ژنرال زیوف (۱۲۰۹ق/۱۷۹۵م) - را اعلام کرد (AKAK, 1868: 2/634 (doc.1271)). او این بار با اقدامی سنجیده با رایزنی با حکومت قاجار درصدد اخذ امتیاز و ضمانت‌هایی برآمد. فتحعلی‌شاه نیز برخلاف سیاست خشن آقا محمدخان، با ملایمت با کلبعلی خان رفتار کرد و در جلب او کوشید. در مقابل، سیسیانف با زبان تهدید و خشونت توأم با عبارات تحقیرآمیز، درصدد تطمیع او بود. حتی جعفرقلی خان دنبلی از مخالفان حکومت قاجار و تبعه روسیه را به این منظور نزد او فرستاد (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۸۲). علاوه بر این، حضور گروگانی از خانواده کلبعلی خان در دربار ایران، اهرم فشار دیگری برای او داشتن او به همکاری بود؛ چنان‌که عباس‌میرزا در فرمانی به کلبعلی خان به حضور نظرعلی بیگ فرزندش در اردوگاه خود اشاره کرد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۷۸). حتی حاکم ایروان نیز علت عدم اجابت خواسته‌های فرمانده روسی را گروگان بودن خانواده‌اش در دربار قاجار اعلام کرد (AKAK, 1868: 2/617 (doc.1238)). به نظر می‌رسد فتحعلی‌شاه در قبال واگذاری حکمرانی نخجوان، وفاداری و عدم تسلیم قلعه ایروان به روس‌ها را از کلبعلی خان به دست آورده بود. گویا کلبعلی خان در مهار سیاست روسی‌گرایی محمدخان قاجار و جلب او به حکومت ایران نیز نقش داشت؛ زیرا حاکم ایروان در نامه‌ای به سیسیانف (۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م)، به تلاش صدراعظم فتحعلی‌شاه در جلب او و سکنه قلعه اشاره کرده است (AKAK, 1868: 2/618 (doc.1241)). همچنین جعفرقلی خان در گزارشی به سیسیانف، از تلاش‌های کلبعلی خان برای بازداشتن محمدخان قاجار از تسلیم قلعه خبر داده است (Bournoutian, 2020: 88). اسناد روسی نیز از اختلاف نظر و عدم وحدت رویه کلبعلی خان با محمدخان در برخورد با حکومت ایران پرده برداشته و افزوده است خان نخجوان به‌رغم مخالفت حاکم ایروان با سیاست همسویی و همراهی با ایران، با عباس‌میرزا وارد ارتباط شده است (مجموعه اسناد تاریخی ایران و روسیه در قفقاز، ۱۴۰۰: ۱۵۳-۱۵۴).

تغییر رویکرد کلبعلی خان و سازش او با حکومت قاجار را در فرامین حکومتی نیز می‌توان مشاهده کرد؛ چنان‌که حکومت قاجار در اوایل ارتباط با کلبعلی خان، اغلب در فرامین از او با عنوان «عمدة الخوانین العظام» یاد می‌کرد و به منصب و القاب حکومتی او اشاره نمی‌کرد، اما در بحبوحه جنگ با روس‌ها و محاصره قلعه ایروان، از سال ۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م. او را با عنوان «عمدة الخوانین العظام کلبعلی خان حاکم ولایت نخجوان» خطاب می‌کردند که حاکی از سازش خان نخجوان با مقامات قاجاریه بود (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۸۵).

بدین گونه در آستانه لشکرکشی نیروی قاجار به ایروان، خان نخجوان با ارسال عریضه‌ای مراتب دولتخواهی خود را با اعزام سواره و توپ با فرزندش نظرعلی بیگ، به حکومت قاجاریه اعلام کرد (همو، ۲۰۷). عباس میرزا نیز با اعلام عزم خود مبنی بر مقابله با روس‌ها، از او خواست خدمتگزاری خود را آشکار کند و مترصد ورود قوای قاجار به آن صفحات باشد (همان، ۷۷-۷۸). همچنین در پاسخ به گزارش کلبعلی خان مبنی بر نگرانی ایلات کنگرلو از کوچ اجباری توسط قوای ایران، دستور داد تمام ریش سفیدان طوایف را احضار و آنان را به الطاف شاهانه امیدوار سازد و اعلان کند که از دربار سلطنتی حکمی مبنی بر کوچانیدن آنان صادر نخواهد شد (همان، ۷۸). ضمناً در واکنش به اقدام عملی کلبعلی خان در اثبات مراتب خدمتگزاری (همان، ۲۰۷)، اعلام کرد که: «آنچه لازمهٔ مرحمت و عنایت است درباره او بعمل آورده تلافی ناخوشی‌های سابق و لاحق او را بوجه احسن بعمل آوریم» (همان، ۸۵-۸۶). منظور عباس میرزا از این عبارت، اشاره به رفتار خشن آقا محمدخان قاجار در محروم کردن کلبعلی خان از نعمت بینایی و سلب امتیازهای پیشین وی بود.

در جریان جنگ با روس‌ها، جابه‌جایی اردوگاه نظامی فتحعلی‌شاه، بر نگرانی کلبعلی خان و سکنهٔ قلعه ایروان می‌افزود؛ چون در صورت عقب‌نشینی قوای ایران و سقوط قلعه به دست روس‌ها، از عواقب کار خویش به جرم همکاری با حکومت ایران واهمه داشت و مرتب نگرانی خود و اهالی ایروان را به شاه منعکس می‌کرد. فتحعلی‌شاه با اطلاع از این مسئله، درصدد توجیه کلبعلی خان از این تدبیر دفاعی برآمد و اظهار داشت: «گویا در آنجا مذکور می‌شد که موکب شاهی مراجعت فرموده است»، اما «منظور نظر اشرف آن بود که بُنه و آغروق را جدا و عساکر غازی را نیز علیحده مشخص فرموده... و بدفع کفرهٔ روسیه اقامت خسروانی مصروف خواهد شد» (همان، ۴۵-۴۶). همچنین به منظور رفع نگرانی اهالی قلعه، مجبور به خوردن سوگند با عبارت «والله و بالله تا امر طایفهٔ ضاله را یک طرف و همه ایشان را عرضه تلف نفرمائیم از این ولایت مراجعت نخواهم فرمود» گردید تا اثبات کند که منطقه را ترک نخواهد کرد (همان، ۴۶). حتی در فرمان دیگری (۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م) خطاب به کلبعلی خان از عزم جزم خود بر اتمام کار روسیه تأکید ورزید و افزود: «این مطلب بر آن عالیجاهان واضح و هویدا بوده باشد که مادامی که بالمره قلع مواد فساد گروه ضلالت ائتمه و ساحات آن صفحات را از لوث وجود آنها پاک و مصفا نفرمائیم موکب ظفرمبانی معاودت بمقر خلافت و حکمرانی نخواهد

فرمود» (همان، ۷۰).

فتحعلی‌شاه در اثنای محاصره قلعه ایروان توسط روس‌ها، دوباره طی فرمانی (۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م) به کلبعلی‌خان ضرورت دفع و سرکوب قطعی روس‌ها و حضور نیروی ایران در حوالی ایروان را یادآوری کرد و خواستار محافظت از قلعه و ارائه گزارش از مواضع سنگرهای روسی شد تا در صورت غفلت روس‌ها، بلافاصله سپاه ایران و نیروهای ایروان، سنگر آنان را تصرف کنند (همان، ۷۱). کلبعلی‌خان با حفظ روابط مستمر خود با اردوگاه نظامی ایران از طریق قاصد و نامه، درباره نحوه همکاری مشترک برای مقابله با روس‌ها با دربار قاجار در حال مذاکره بود و برخی از مطالب مهم را به صورت شفاهی از طریق قاصدان ارسال می‌کرد (همان، ۶۳-۶۴). شاه قاجار به منظور اعمال فشار بر سنگرهای روسی، به کلبعلی‌خان امر کرد با ترغیب جمعیت کنگرلو از سمت قلعه و قوای همایونی از این سوی، به صورت مشترک به دفع روس‌ها مبادرت کنند (همان، ۶۸-۶۹).

فتحعلی‌شاه در فرمان سال ۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م، خطاب به حاکم نخجوان با اعلام اینکه «امر کفره روسیه بر وفق خواهش آن عالیجاه و اولیا شوکت علیه صورت وقوع پذیرفته»، از شکست نیروهای روسی و ورود تفنگچیان به داخل قلعه برای حراست از آن خبر داد و افزود: «فوج فوج سواره به معابر اوچ کلیسا و پمبک و آن حوالی مأمور فرمودیم که راه آمد و شد و آوردن تدارک و آذوقه ایشان را مسدود ساخته‌اند» (همان، ۶۷). او این اقدام را باعث رفع نگرانی کلبعلی‌خان و اهالی قلعه عنوان کرد و دستور داد در اکثر اوقات با اعزام قوایی از کنگرلو و ایروانی به میان کوجه‌باغات و اطراف سنگرهای روسی، ایجاد رعب و وحشت کنند و آرامش و آسایش سربازان روسی را سلب و بر اضطراب آنان بیفزایند (همان‌جا).

پس از شکست و عقب‌نشینی قوای روسی از قلعه ایروان، شاه در سال ۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م، کلبعلی‌خان را به پاس فداکاری در دفاع از قلعه ایروان و متقاعد کردن خان ایروان به همراهی با حکومت ایران، دوباره به حکمرانی نخجوان و ریاست ایل کنگرلو گماشت (دنبلی، ۱۳۸۹: ۱۹۲؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۱۱/۱؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۳۱۲؛ سپهر، ۱۳۵۳: ۱۳۰/۱). همچنین طی فرمانی (۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م)، نخجوان و آزادجیران را به تیول و سیورغال «مادام الحیوة مشارالیه و بعد از او در وجه اولاد و احفادش» واگذار کرد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۵۳).

### همکاری کلبعلی‌خان با حکومت قاجاریه علیه سیاست استعماری روسیه

به‌رغم عقب‌نشینی قوای روسی از قلعهٔ ایروان به تفلیس، هنوز سایهٔ تهدید جنگ بر فضای سیاسی منطقه حاکم بود و تبعات جنگ از ایروان به‌طور کامل مرتفع نشده بود. جعفرقلی‌خان از سوی سیسیانف، موظف بود با رصد اوضاع ایران، مرتب به او گزارش دهد (Bournoutian, 2020: 97)؛ چنان‌که گزارشی از ترک قوای ایران از قلعهٔ ایروان و فرار شاهزاده الکساندر میرزای گرجی از تفلیس را به سیسیانف اطلاع داد (Ibid, 98). در مقابل، کلبعلی‌خان نیز از سوی حکومت قاجار چنین وظایف و مأموریتی را برعهده داشت تا با رصد تحرکات نظامی نیروهای روسی، اخبار آن مناطق را به مقامات قاجار منعکس کند (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۵۴، ۶۲). در واقع، اعزام جاسوس به گرجستان و تهیهٔ خبر از کم و کیف اوضاع روس‌ها طبق امر حکومت، وظیفهٔ دیگر کلبعلی‌خان بود. البته خان نخجوان از انجام این اقدام واهمه داشت؛ زیرا احتمال می‌داد افراد مغرض روابط شکنندهٔ او با حکومت قاجار را با اخبار کذب به اتهام رابطهٔ پنهانی با روس‌ها، برهم زنند، اما عباس‌میرزا با بی‌اساس دانستن این نگرانی کلبعلی‌خان اظهار کرد که «خیالات لاطایل را کنار گذاشته و همه‌روزه جاسوس به اطراف و جوانب فرستاده اخبار هر سمت را بیان واقع مشخص کرده و بعرض واقفان حضور والا رساند» (همان، ۸۳-۸۴). بر همین اساس، در گزارشی (۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م) به فتحعلی‌شاه، به تدابیر دفاعی سیسیانف هنگام مراجعت به تفلیس مبنی بر تعیین فوجی از قوای روسی به فرماندهی جعفرقلی‌خان در ناحیه پمبک ایروان اشاره کرد (همان، ۶۴-۶۵؛ اسنادی از روابط ایران و روسیه، ۱۳۸۷: ۴۷۰). همچنین گزارشی از عملیات نظامی سیسیانف در نواحی مختلف گرجستان و شورش سکنةٔ آن حوالی را به عباس‌میرزا ارائه کرد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۱۱۰).

روس‌ها هر از گاهی غارتی در حوالی ایروان و کلیسای اوچمیادزین انجام می‌دادند. فتحعلی‌شاه در واکنش به این اقدام، خان نخجوان را با قوای کنگرلو برای محافظت از قلعه بدان سو اعزام کرد (همان، ۶۲)؛ هرچند مأموریت او به علت بازگشت فوج روسی و تعقیب آنها توسط حاکم ایروان منتفی شد (همان، ۶۱). با این حال، طبق فرمان مزبور، محافظت از قلعه و کمک به حاکم ایروان، از وظایف کلبعلی‌خان بود.

در سال ۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م، حکومت قاجار برای پایان دادن به تجاوز روس‌ها و جعفرقلی‌خان

به نواحی ایروان، کلبعلی‌خان را به همراه حکام آذربایجان مأمور دفع روس‌ها از نواحی پمبک و شوره‌گل کرد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۶۱؛ دنبلی، ۱۳۸۹: ۲۳۹؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۳۲۱). عباس‌میرزا نخست سعی کرد از طریق کلبعلی‌خان، جعفرقلی‌خان را به مراحم شاهی امیدوار سازد و متقاعد به همکاری با شاه قاجار کند (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۸۱). در اسناد روسی به تلاش‌های کلبعلی‌خان برای جلب جعفرقلی‌خان با وعده امتیاز حکمرانی خوی و آزادی گروگان‌ها از حکومت قاجار هم اشاره شده است ((AKAK, 1869:3/340 (doc.622)، اما با شکست این سیاست، کلبعلی‌خان مأمور گردید کار قلعه «کور اوغلی» پایگاه جعفرقلی‌خان را یکسره کند (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۴۴؛ نیز ن. ک. به: جعفرنیا و عزیزنژاد، ۱۴۰۰: ۷۷).

کلبعلی‌خان تأمین امنیت مرزهای هم‌جوار ایروان با عثمانی و ارائه گزارش از اوضاع داخلی آن حکومت را هم برعهده داشت (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۲۰۹؛ چنان‌که در سال ۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م، در پاسخ به حملات پاشای بایزید به ایلات ایروان، مأمور مجازات حاکم بایزید گردید (دنبلی، ۱۳۸۹: ۲۴۰؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۴۰/۱-۲۴۱؛ سپهر، ۱۳۵۳: ۱۴۷/۱؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۳۲۲).

نگرانی اهالی ایروان و نخجوان از انتشار گاه و بیگاه اخبار تهاجم دوباره قوای روسی، دیگر مشکل فراروی حکومت قاجار و کلبعلی‌خان بود که تأثیر منفی بر افکار عمومی و امنیت منطقه می‌گذاشت. استقرار نیروهای روسی در پمبک و ایجاد عملیات ایدائی در حوالی ایروان و بازگشت نیروهای فتحعلی‌شاه به تهران، به مسئله آغاز جنگ دوباره دامن می‌زد (Bournoutian, 2020: 98). ارسال عرایض متعدد از سوی کلبعلی‌خان و سران ایلات ایروان و نخجوان به دربار فتحعلی‌شاه، مبین این مسئله است. بنابراین فتحعلی‌شاه برای رفع این دغدغه، طی فرمانی (۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م) خطاب به سران قاجار و کنگرلو اعلام کرد: «کسی که در ظل حمایت پادشاه ذیجاء بوده باشد چه اندیشه و تشویش از دیگران دارد و مادامی که یک نفر از روسیه در این ولایت باشد عزیمت به جایی نخواهیم فرمود تا آنان را مغلوب و مقهور سازیم» (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۵۹-۶۰). همچنین در واکنش به خبر عدم بازگشت برخی ایلات به ایروان و استمرار فضای اضطراب توأم با شایعات عزیمت دوباره روس‌ها به ایروان، از توقف دو ماهه موکب پادشاهی در چمن اوجان و استقرار عباس‌میرزا در تبریز خبر داد. همچنین با اشاره به ضعف بنیه مالی و نظامی روس‌ها به سبب شکست‌های متوالی در قراباغ و گیلان، از کلبعلی‌خان خواست طوایف اگرلو و غیره را خاطر جمع کند و به ایروان بازگرداند و اهالی ایروان را در کمال آرامش و امنیت در



مکان خود مستقر سازد (همان، ۵۵-۵۶). خود کلبعلی خان برای غلبه بر این مشکل، خواستار توقف اردوی فتحعلی شاه در مملکت آذربایجان شد (همان، ۴۳)، اما شاه قاجار با اعلام دشواری تأمین غلهٔ اردوی خود و هزینهٔ بسیار گزاف توقف موبک سلطانی، این امر را باعث خرابی مملکت آذربایجان و باری بر دوش اهالی آنجا دانست (همان، ۴۴). از این رو، برای مراعات حال اهالی آذربایجان، توقف خود را صلاح ندانست و در عوض عباس میرزا را با اختیار کامل و با قوایی مأمور توقف در تبریز کرد و کلبعلی خان را ملزم کرد که چنانچه قوای روسی به آن حدود تعرض کرد، نایب السلطنه را در جریان امر بگذارد (همان، ۴۴-۴۵).

البته ترس آنها بی اساس بود؛ زیرا سیسیانف نیز در گزارشی به تزار، از کمبود اسب و سرباز کافی برای حملهٔ مجدد به ایروان خبر داد و هوای سرد زمستانی مسیر تفلیس به ایروان را مانعی دیگر عنوان کرد (Bournoutian, 2020: 98). حتی در پاسخ به گزارش افسر روسی مبنی بر قحطی نان در ایروان و احتمال شورش سکنه و اعلام آمادگی اهالی برای تسلیم قلعه به روس‌ها ((AKAK, 1868: 2/628-629 (doc.1261)، افزود اگر این شایعات هم صحیح باشد، او فاقد نیروی اضافی است و علاوه بر آن، زمان انجام لشکرکشی به سوی شیروان و باکو است (AKAK, 1868: 2/629 (doc.1263)). شاید روس‌هراسی و انتشار شایعهٔ خبر تهاجم مجدد روسیه، حربهٔ روس‌ها و جعفرقلی خان بود که هر از چندگاهی با هدف غارت اموال و احشام سکنه ایروان، به این مسئله دامن می‌زدند. فتحعلی شاه از مرگ سیسیانف و آشفتگی قوای روسی منطقه استفاده کرد تا با تصرف پادگان روسی مستقر در مرز گرجستان با ایروان، برای همیشه به این نگرانی اهالی ایروان و نخجوان پایان دهد. بنابراین طی فرمانی (۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م) با اعلام مرگ سیسیانف، از کلبعلی خان خواست تا به اتفاق بیگلربیگی ایروان و قوای کنگرلو و قاجار، به امر روسیه در آن حدود پایان دهند و نظم و امنیت را در آن نواحی برقرار سازند (کنگرلو نخجوانی، [بی تا]: ۴۷).

کلبعلی خان با اینکه از سال ۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م. به امر فتحعلی شاه به حکمرانی نخجوان منصوب بود، اما مأموریت محافظت از قلعهٔ ایروان و رسیدگی به امور داخلی این ولایت نیز به او محول شده بود؛ چنان که در فرمان حکومتی سال ۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م. به این مسئله اشاره شده بود (همان، ۵۶). این امر به سبب آشنایی با امور این ولایت و داشتن نفوذ در بین سران ایلات و اهالی در مدت حضور پنج ساله او در ایروان بود. علاوه بر آن، دربار قاجار به حاکم جوان ایروان به علت سابقهٔ او در ارتباط با روسیه اعتمادی نداشت (دنلی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)؛ چنان که در سال ۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م. با

کشف همکاری مجدد او با روسیه، از حکمرانی ایروان عزل شد و مهدیق‌لی‌خان قاجار را به جایش منصوب کردند (دنبلی، ۱۳۸۹: ۲۰۲؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۲۶/۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۷۳/۳). فتحعلی‌شاه طبق فرمان (۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م)، با اذعان به اعتماد خود به حُسن کردانی و تفویض امور نخجوان به کلبعلی‌خان، برای حل امور ایروان امر کرد که دائماً نزد مهدیق‌لی‌خان باشد و اموراتی را که آگاه ساختن آنها ضرورت دارد، به نام‌برده تفهیم نماید (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۵۴-۵۵). گویا کلبعلی‌خان تا اتمام امور ایروان و ایجاد نظم در آنجا، اجازه بازگشت به نخجوان را نداشت؛ زیرا عباس‌میرزا در فرمان خود به صراحت به این مسئله اشاره کرده بود (همان، ۲۰۲).

در سال ۱۲۲۱ق/۱۸۰۶م. عباس‌میرزا به اشاره فتحعلی‌شاه برای پیشرفت امور دیوان ایروان، مهدیق‌لی‌خان را از حکومت ایروان عزل و «احمدخان مقدم» را به جای او منصوب کرد (دنبلی، ۱۳۸۹: ۲۵۹). ضمناً خبر این عزل و نصب را به اطلاع کلبعلی‌خان رساند و خواستار همکاری او با حاکم جدید و توجه بیش از پیش برای انتظام امور ایروان شد. به‌رغم تعیین حاکم جدید ایروان، عباس‌میرزا به مانند گذشته وضعیت امور آنجا را از کلبعلی‌خان مطالبه می‌کرد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۲۰۳-۲۰۴). از طرفی مداخله احمدخان مقدم در امور داخلی نخجوان و همکاری با رقبای درون‌خاندانی کنگرلو، منجر به شکایت کلبعلی‌خان از او به فتحعلی‌شاه گردید (همان، ۱۱۲-۱۱۳). همچنین عباس‌میرزا طی فرمانی (۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م) به کلبعلی‌خان درباره انجام عملیات چپاول قراباغ در هم‌جواری نخجوان، امر کرد که در صورت مصلحت اقدام کند و چنانچه نیاز به قشون داشته باشد، اعلام کند تا مساعدت صورت گیرد (همان، ۲۰۳).

### سایه بدگمانی در روابط متقابل کلبعلی‌خان با حکومت قاجار

همکاری کلبعلی‌خان با حکومت قاجار، در سایه‌ای از بدگمانی متقابل تداوم داشت. این مسئله در مکاتبات عباس‌میرزا (۱۲۲۱ق/۱۸۰۶م) با خان نخجوان نیز قابل ملاحظه است؛ چنان‌که نایب‌السلطنه شایعه خبر کم‌الثقاتی خود درباره او را بی‌اساس و آن را باعث اختلال امور ولایت دانست و اظهار داشت که مرحمت او درباره نام‌برده به حد کمال است و سخن بی‌مایه یاوه‌گویان در ارتباط آنان خللی به وجود نخواهد آورد (همان، ۲۰۵). او «کلبعلی‌خان را تربیت یافته دولت جاوید توأمان اعلام کرد که بر همگی امثال و اقران کمال مزیت و رجحان دارد و بایستی آن

عالیجاه این گونه اندیشه‌های بی‌جا را پیرامون خاطر خود راه ندهد و به خدمتگزاری دولت قاجار و انتظام مهم مرجوعه را به عمل آورد» (همان، ۲۰۵-۲۰۶). با وجود این، اثر زخم کهنه از آقامحمدخان و مداخله مقامات دولتی در امور داخلی نخجوان و به تبع آن کاهش اقتدار حکمرانی، از عواملی بود که به تدریج روابط کلبعلی‌خان را با حکومت قاجار متأثر ساخت. در مقابل، روس‌ها نیز با صدور اعلامیه‌هایی در حمایت از عباسقلی‌خان کنگرلو در میان اهالی نخجوان، حکمرانی او را به چالش می‌کشیدند (AKAK, 1869: 3/340 (doc.622)). سیسیانف از کلبعلی‌خان به علت خیانت به روس‌ها، عدم تحویل قلعهٔ ایروان و گرایش به ایران کینه داشت و به تلافی این رفتار او، در اعلامیه‌ای (۱۸۰۵/ق/۲۲۰) خواستار اتحاد اهالی نخجوان با عباسقلی‌خان و روسیه شد و او را عامل نابودی رعایای نخجوان معرفی کرد (AKAK, 1868: 2/635 (doc.1276)). گفتنی است که عباسقلی‌خان پس از عزل از حکمرانی نخجوان، به روس‌ها پناه برد و با استقرار در ناحیه سسیان در جوار مرزهای قراباغ و نخجوان، به عملیات ایذائی و غارت کاروان‌های تجاری و جنگ تبلیغاتی علیه کلبعلی‌خان مشغول شد. حتی برای سرنگونی حکمرانی کلبعلی‌خان و تصرف نخجوان، از سیسیانف خواستار کمک نظامی شد (AKAK, 1869: 3/340 (doc.622); AKAK, 1868: 2/634 (doc.1272); 2/635 (doc.1274)).

با این حال، کلبعلی‌خان پس از مرگ سیسیانف زمینهٔ همکاری پنهانی با ژنرال گودویچ فرمانده جدید قوای روسی را با وساطت جعفرقلی‌خان که صاحب‌نفوذ نزد روس‌ها بود، گشود (Əliyev.F & Əliyev. M, 1996: 54). حتی در آستانهٔ تهاجم دوم قوای روسی با هدف تسخیر قلعهٔ ایروان، همکاری خود با روس‌ها را اعلام کرد و گزارش‌هایی از اوضاع ایروان و کیفیت قوای ایران را در اختیار آنان گذاشت. حتی از طریق جعفرقلی‌خان به ژنرال گودویچ اطلاع داد که مایل به ادامهٔ همکاری با فتحعلی‌شاه نیست و حاضر است در قبال تضمین حکمرانی نخجوان، به تابعیت روسیه درآید. همچنین وعده داد چنان‌چه قوای روسی در حوالی ایروان ظاهر شود، قلعه را تسلیم خواهد کرد (۱۲۲۱/ق/۱۸۰۶م) (Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1998: 2/145-146). حتی در خلال عملیات قوای قاجار علیه روس‌ها در قراباغ، کلبعلی‌خان با سواره‌نظام کنگرلو به تصور اینکه مبدا از راه سسیان تعرضی از روسیه به نخجوان شود، بدون اذن جنگی به نخجوان بازگشت. عباس‌میرزا از این اقدام خودسرانهٔ او انتقاد کرد و در فرمان سال ۱۲۲۱/ق/۱۸۰۶م، خطاب به او افزود: «درین اوقات که وقت خدمت و همه اسباب دشمن‌کشی

آماده و مهیا بود و موکب علیّه با افواج قاهره در حدود قراباغ متوقف بود گمان اینگونه جسارت به هیچ‌وجه از ایشان نمی‌رفت» (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۱۲۱-۱۲۳). او این احتیاط نظامی کلبعلی خان را غیرموجه و باعث محرومیت از سعادت خدمت در راه حکومت خود عنوان کرد. از این رو، با تفویض خدمات و امنیت نخجوان به حکام ارومیه و خوی، از او خواست «سواره و پیاده خود را بی‌تأمل از نخجوان آورده و سرگرم خدمت سازد» (همان‌جا). البته حکومت قاجار از خیانت و همکاری او با روس‌ها آگاه بود و در سال ۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م، او را دستگیر و از حکمرانی نخجوان عزل کرد. کلبعلی خان متهم به وفاداری به روس‌ها شده بود (AKAK, 1869: 3/599-600 (doc.1025)). جعفرقلی خان دنبلی در گزارشی به ژنرال گودویچ به این مسئله اشاره کرده و افزوده است: «کلبعلی خان را که مال و دولت داشت و خودش هم مرد رشید بود، گرفته‌اند و عباسقلی نامی را حاکم نخجوان کرده‌اند» (مجموعه اسناد تاریخی ایران و روسیه در قفقاز، ۱۴۰۰: ۷۴). عباس میرزا به دنبال کشف همکاری کلبعلی خان با روس‌ها، تدابیر احتیاطی را با استقرار قوای نظامی بیشتر در قلاع نخجوان و ایروان افزایش داد (همان‌جا).

متعاقب این وقایع، شیخعلی بیگ فرزند کلبعلی خان به ولایت قراباغ فرار کرد (۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م) و خود را رعیت امپراتوری روسیه اعلام کرد (AKAK, 1869: 3/267-268 (doc.476)). حتی با هدایت قوای روسی از مسیر قراباغ به نخجوان (۱۲۲۳ق/۱۸۰۸م)، نقش بی‌بدیلی در تصرف نخجوان ایفا کرد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۱۶۲؛ AKAK, 1869: 3/267-268 (doc.476)) و در قبال این فداکاری، از سوی روس‌ها به لقب سرهنگی مفتخر گردید. حتی گودویچ از زحمات او بابت بازگرداندن ایلات نخجوان به‌مکان اصلی قدردانی کرد (AKAK, 1869: 3/267 (doc.475)); (3/267 (doc.474)). البته حکومت قاجار با حربه تهدید به قتل کلبعلی خان، او را به قطع همکاری با روس‌ها وادار کرد (Öliyev. F & Öliyev. M, 1996: 59). بدین‌سان شیخعلی بیگ در سال ۱۲۲۶ق/۱۸۱۱م، با اتباع خود به روسیه پشت کرد و با کمک برادرش نظرعلی خان به ایران گرایش یافت (AKAK, 1870: 4/356-357 (doc.476)). حکومت قاجار به سبب نفوذ و محبوبیت کلبعلی خان در میان رعایای نخجوان و با هدف جلب احترام سران ایلات کنگرلو، دوباره در سال ۱۲۲۷ق/۱۸۱۲م، او را به حکمرانی نخجوان گماشت (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۱۱۸).

حتی عباس میرزا در پاسخ به عریضه قدردانی ریش سفیدان و اهالی نخجوان به خاطر انتصاب مجدد کلبعلی خان به حکمرانی نخجوان، اظهار داشت: «فی الحقیقه عالیجاه مشاراً الیه را در وقتی

مأمور و منصوب فرمودیم که وجود او در آن ولایت برای اهل آن ولایت حکم آن داشت که مرهم و مومیای به عضو خسته و عظم شکسته رسد و درد بی‌دوای ایل و رعیت و پریشانی کار ولایت را به داروی فضل و مکرمت دوا کردیم و کار آن حدود را جز به استعمال این و تدبیر چاره و گریزی ندیدیم» (همان‌جا). به نظر می‌رسد سررشتهٔ امور نخجوان پس از عزل کلبعلی‌خان از دست حکومت قاجار خارج شده بود؛ چنان‌که اهالی نخجوان در عریضه‌شان خطاب به قائم‌مقام وزیر عباس‌میرزا به این مسئله اشاره کردند و افزودند: «انقلاب و اغتشاش امور ولایت و وحشت ایل و رعیت» را فرا گرفته است. آنها در ادامه، با اعلام رضایت و سپاس از انتصاب مجدد کلبعلی‌خان به حکمرانی نخجوان، وجود او را باعث آبادانی و سبب امیدواری عموم ایل و رعیت نخجوان اعلام کردند. در ازای این «موهبت عظمی و عطیه کبری»، وعدهٔ خدمتگزاری با تمام جان و مال را در راه دین و دولت اعلام کردند (همان، ۱۷۱-۱۷۲). با وجود این، کلبعلی‌خان در دیدار با هیئت سفرای روسی به رهبری ژنرال یرملوف در نخجوان (۱۲۳۱ق/۱۸۱۶م)، نارضایتی خود را از سیاست و نحوه حکومت‌داری مقامات ایران اعلام کرد (Əliyev, F & Əliyev, M, 1996: 63). به نوشتهٔ یرمولف، حکومت ایران از سر احتیاط، پسران کلبعلی‌خان را به نشانهٔ وفاداری به عنوان گروگان نزد خود نگه می‌داشتند و اهرم زور را تنها عامل اطاعت او از شاه می‌دانستند (Ibid).

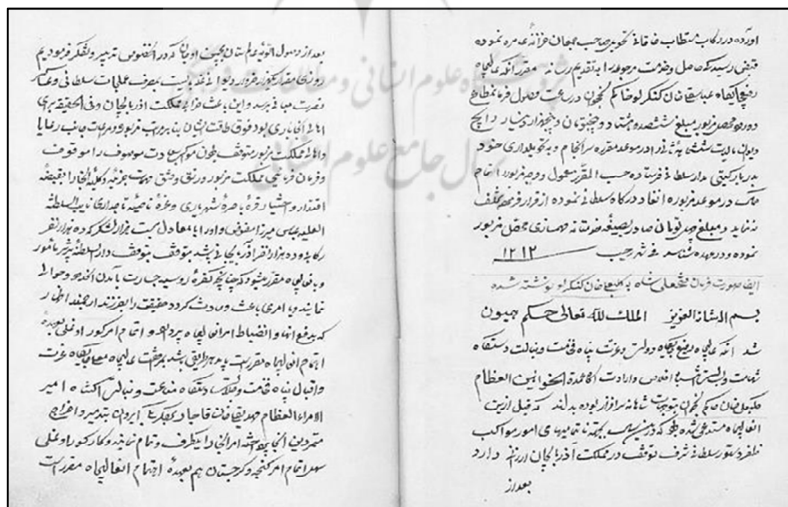
### نتیجه‌گیری

دوره دوم حکمرانی کلبعلی‌خان حاکم نخجوان، مصادف با جنگ‌های اول ایران و روسیه بود. این وقایع باعث شده بود کلبعلی‌خان رویکرد سیاسی متناسب با منافع سیاسی‌اش را در روابط با دول ایران و روس اتخاذ کند. با توجه به تجارب سیاسی تلخی که از همکاری با آقامحمدخان در کارنامهٔ سیاسی خود داشت، در اوایل به دولت فتحعلی‌شاه رویکردی خصمانه داشت. از سوی دیگر، چون تاوان همکاری با حکومت روسیه تزاری را با عزل از حکمرانی نخجوان و سلب امتیازهای مالی و سیاسی توسط آقامحمدخان قاجار پرداخته بود، نسبت به تضمین‌های روسیه و حضور دائمی آنان در منطقه تردید داشت. از این رو، به همکاری دائمی با آن دولت و وعده‌های ژنرال سیسیانف رویکردی محتاطانه نشان داد و بر همین اساس، در نخستین برخورد نظامی ایران و روس در جنگ ایروان، با اتخاذ سیاست دوگانه و دادن وعدهٔ همکاری به هر دو دولت، منافع حداکثری را دنبال کرد، اما در اثنای جنگ ایروان، با توجه به تهدیدهای مکرر و لحن آمرانه

توأم با عبارات توهین‌آمیز سسیانف و شکست قوای روسی، با تغییر موضع از روس‌ها، به حکومت قاجار روی آورد. در این تغییر سیاست او، وعدهٔ حکمرانی نخجوان و ریاست ایل کنگرلو که انگیزهٔ اصلی کلبعلی خان در اتخاذ رویکردهای مختلف بود، تأثیر داشت؛ ضمن آنکه لحن ملایم فتحعلی‌شاه در واگذاری این امتیازات را نیز باید مد نظر داشت. علاوه بر این، حضور گروگانی از خانوادهٔ کلبعلی خان در دربار قاجار نیز مؤثر بود. از این رو، کلبعلی خان با أخذ حکمرانی نخجوان و ریاست ایل کنگرلو از سوی حکومت قاجار، موظف به ایفای مأموریت‌های مختلفی، چون محافظت از قلعهٔ ایروان، حراست از مرزهای ایروان و تهیه اخبار و جاسوسی از امور گرجستان و روس‌ها در جنگ اول ایران و روس بود. البته این روند همکاری او با حکومت قاجار، از یک رویهٔ ثابت و یکنواختی برخوردار نبود. مداخله‌های زیاد مأموران حکومتی قاجار در امور داخلی نخجوان و حمایت از رقبای درون‌خاندانی کنگرلو، به تدریج زمینه را برای همکاری پنهانی او با روس‌ها فراهم کرد، اما اقدام پیش‌دستانهٔ حکومت قاجار و اهرم فشار گروگان، ضامن وفاداری و اطاعت کلبعلی خان بود. در مجموع، روند حاکم بر روابط او با حکومت قاجاریه در جنگ‌های اول ایران و روس، با حالتی متزلزل و توأم با بدبینی و سوءظن متقابل همراه بود.

## پیوست‌ها

### ۱. فرمان فتحعلی‌شاه به کلبعلی خان با عنوان تعیین عباس میرزا به فرماندهی





۲. فرمان فتحعلی شاه به کلبعلی خان با عنوان آمدن اشبخدور سردار روسی

<p>نوزدهم فروردین ماه سال ۱۱۸۳ شمسی در روز پنجشنبه در صبح وقت از این اقدوس شهر بزرگی آستانه و در جبهه خط اول و خط اول بنا بر راه نژاد و دولت او و از سوی منبت سبقت از وی درین روزی که کنونی کلنگ خطی که در محراب مجاور نزدیکان محراب و در موضع موراد مسده اینه خود را بر سر او و در هر یک مراکز با نوازش مهراب و درگاه است خوابت طالب حق خود و حشمت و در قرآن نوح خنده و در حدیث استند از او در نوح و نه مجربان در ۱۳۱۹</p> <p>این نامه از آن خطی برای ام آبران از آنجمله در جمله خطی ان کا در کشید لله المات الله تعالی حکم بنیاد شد آنگه زبان در میان هیچ وقت نباید بناه قوت و نسبت و عقا در مناسبت است اما و حدیث و آراست اما غیر از آنکه از این اعلام خطی است که کربوت کم و کثرت جنگی بعد از شاه نارسا از این جبهه خود که در خطا خواند که انما و کجا و کنگار خطی بود در روز که در کتب منسلک و غیر منسک که در آنجا در بیان خطی خاتم اجنه و فرزندانی است که بود در خط و در میان مشفق حضور عبد و فرزند و عبودیت موردی موردی است که در کتب فرزند و در آمدن سعیدی از گروه و در کتب ایام است که در کتب فرزند و در و فرزند باقیمت یک سبب از آنکه در کتب فرزند و در کتب فرزند و در در آنجا و در آنجا که در این ایام است که در کتب فرزند و در کتب فرزند</p>	<p>نوزدهم فروردین ماه سال ۱۱۸۳ شمسی در روز پنجشنبه در صبح وقت از این اقدوس شهر بزرگی آستانه و در جبهه خط اول و خط اول بنا بر راه نژاد و دولت او و از سوی منبت سبقت از وی درین روزی که کنونی کلنگ خطی که در محراب مجاور نزدیکان محراب و در موضع موراد مسده اینه خود را بر سر او و در هر یک مراکز با نوازش مهراب و درگاه است خوابت طالب حق خود و حشمت و در قرآن نوح خنده و در حدیث استند از او در نوح و نه مجربان در ۱۳۱۹</p> <p>این نامه از آن خطی برای ام آبران از آنجمله در جمله خطی ان کا در کشید لله المات الله تعالی حکم بنیاد شد آنگه زبان در میان هیچ وقت نباید بناه قوت و نسبت و عقا در مناسبت است اما و حدیث و آراست اما غیر از آنکه از این اعلام خطی است که کربوت کم و کثرت جنگی بعد از شاه نارسا از این جبهه خود که در خطا خواند که انما و کجا و کنگار خطی بود در روز که در کتب منسلک و غیر منسک که در آنجا در بیان خطی خاتم اجنه و فرزندانی است که بود در خط و در میان مشفق حضور عبد و فرزند و عبودیت موردی موردی است که در کتب فرزند و در آمدن سعیدی از گروه و در کتب ایام است که در کتب فرزند و در و فرزند باقیمت یک سبب از آنکه در کتب فرزند و در کتب فرزند و در در آنجا و در آنجا که در این ایام است که در کتب فرزند و در کتب فرزند</p>
--	--

۳. عریضه کلبعلی خان به فتحعلی شاه قاجار

<p>این عریضه در طبع دولت است که در روز بیست و نهم فروردین ماه سال ۱۱۸۳ شمسی در روز پنجشنبه در صبح وقت از این اقدوس شهر بزرگی آستانه و در جبهه خط اول و خط اول بنا بر راه نژاد و دولت او و از سوی منبت سبقت از وی درین روزی که کنونی کلنگ خطی که در محراب مجاور نزدیکان محراب و در موضع موراد مسده اینه خود را بر سر او و در هر یک مراکز با نوازش مهراب و درگاه است خوابت طالب حق خود و حشمت و در قرآن نوح خنده و در حدیث استند از او در نوح و نه مجربان در ۱۳۱۹</p> <p>این نامه از آن خطی برای ام آبران از آنجمله در جمله خطی ان کا در کشید لله المات الله تعالی حکم بنیاد شد آنگه زبان در میان هیچ وقت نباید بناه قوت و نسبت و عقا در مناسبت است اما و حدیث و آراست اما غیر از آنکه از این اعلام خطی است که کربوت کم و کثرت جنگی بعد از شاه نارسا از این جبهه خود که در خطا خواند که انما و کجا و کنگار خطی بود در روز که در کتب منسلک و غیر منسک که در آنجا در بیان خطی خاتم اجنه و فرزندانی است که بود در خط و در میان مشفق حضور عبد و فرزند و عبودیت موردی موردی است که در کتب فرزند و در آمدن سعیدی از گروه و در کتب ایام است که در کتب فرزند و در و فرزند باقیمت یک سبب از آنکه در کتب فرزند و در کتب فرزند و در در آنجا و در آنجا که در این ایام است که در کتب فرزند و در کتب فرزند</p>	<p>این عریضه در طبع دولت است که در روز بیست و نهم فروردین ماه سال ۱۱۸۳ شمسی در روز پنجشنبه در صبح وقت از این اقدوس شهر بزرگی آستانه و در جبهه خط اول و خط اول بنا بر راه نژاد و دولت او و از سوی منبت سبقت از وی درین روزی که کنونی کلنگ خطی که در محراب مجاور نزدیکان محراب و در موضع موراد مسده اینه خود را بر سر او و در هر یک مراکز با نوازش مهراب و درگاه است خوابت طالب حق خود و حشمت و در قرآن نوح خنده و در حدیث استند از او در نوح و نه مجربان در ۱۳۱۹</p> <p>این نامه از آن خطی برای ام آبران از آنجمله در جمله خطی ان کا در کشید لله المات الله تعالی حکم بنیاد شد آنگه زبان در میان هیچ وقت نباید بناه قوت و نسبت و عقا در مناسبت است اما و حدیث و آراست اما غیر از آنکه از این اعلام خطی است که کربوت کم و کثرت جنگی بعد از شاه نارسا از این جبهه خود که در خطا خواند که انما و کجا و کنگار خطی بود در روز که در کتب منسلک و غیر منسک که در آنجا در بیان خطی خاتم اجنه و فرزندانی است که بود در خط و در میان مشفق حضور عبد و فرزند و عبودیت موردی موردی است که در کتب فرزند و در آمدن سعیدی از گروه و در کتب ایام است که در کتب فرزند و در و فرزند باقیمت یک سبب از آنکه در کتب فرزند و در کتب فرزند و در در آنجا و در آنجا که در این ایام است که در کتب فرزند و در کتب فرزند</p>
--	--





## منابع و مآخذ

- اسنادی از روابط ایران و روسیه (از صفویه تا قاجاریه) (۱۳۸۷)، ترجمه رحیم مسلمانیان قبادیانی و بهروز مسلمانیان قبادیانی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰)، *اکسیرالتواریخ*، باهتمام جمشید کیانفر، تهران: ویسمن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- افشار، میرزا رشید (۱۳۴۵-۴۶)، *تاریخ افشار*، به تصحیح و اهتمام محمود رامیان و پرویز شهریار افشار، تبریز: شفق.
- جعفرنیا، فاطمه و عزیزنژاد، محمد (بهار ۱۴۰۰)، «سیاست عثمانی گرایی تا روس گرایی در مناسبات جعفرقلی خان دنبلی با حکومت قاجاریه»، *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، س ۱۳، ش ۱، صص ۶۹-۸۸.  
<https://doi.org/10.22108/JHR.2021.129779.2231>
- ..... (تابستان ۱۴۰۱)، «سیاست کلبعلی خان کنگرلو نخجوانی در قبال حکومت آقامحمدخان قاجار (از هم گرایی تا واگرایی)»، *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، س ۱۴، ش ۲، صص ۱-۱۹.  
<https://doi.org/10.22108/JHR.2022.131719.2285>
- خاوری شیرازی، فضل‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، ج ۱، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۹)، *مآثر سلطانیه*، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: روزنامه ایران.
- سپهر، میرزا محمدتقی خان (۱۳۵۳)، *ناسخ‌التواریخ*، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیّه.
- عزیزنژاد، محمد و دهقانی، رضا (زمستان و بهار ۱۳۹۴-۱۳۹۵)، «نقش و مواضع محمدخان قاجار ایروانی در نخستین جنگ‌های ایران و روسیه»، *فصلنامه تاریخ ایران*، ش ۱۹، ۷۷/۵، صص ۱۸۷-۲۱۳.  
[https://irhj.sbu.ac.ir/article\\_95315\\_e7b896007ab2deec88505303d727f321](https://irhj.sbu.ac.ir/article_95315_e7b896007ab2deec88505303d727f321)
- کنگرلو نخجوانی، میرزا علی بیگ منشی [بی‌تا]، *سواد و فرامین سلاطین و امراء و حکام نادرشاه، سلطان حسین صفوی، کریم خان زند، فتحعلی شاه، عباس میرزا و عده ای از امراء و حکام قاجار*، نسخه خطی، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۱.
- قرباغانی، میرزا یوسف (۱۳۹۰)، *تاریخ صافی*، به کوشش حسین احمدی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- مجموعه اسناد تاریخی ایران و روسیه در قفقاز (آکاک) (۱۴۰۰)، تدوین و گردآوری محمدعلی پرغو و غفار عبداللهی منتق، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- وقایع‌نگار مروزی، میرزا محمدصادق (۱۳۶۹)، *آهنگ سروش*، گردآورنده: حسین آذر، تهران: [بی‌نا].
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰)، *روضه‌الصفای ناصری*، تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، ج ۹، تهران: اساطیر.

## منابع لاتین

- AKAk (*Akty sabrannyye Kavkazskoiu Arkheograficheskoiu Kommissieiu*), (1866-1904), vol. 1, 2, 3, 4, Tbilisi.
- Bournoutian, George (2020), *From the Kur to the Aras (A Military History of Russia's Move into the South Caucasus and the First Russo-Iranian War, 1801–1813)*, Leiden Boston: Brill.
- Dubrovin. N. (1886), *Istoria voym i vladchestva russkix na Kavkaze*, Vol.3, Saint Peterburg: Tip. Departamenta udelov.
- Əliyev, Fuad və Mirabdulla Əliyev (1996), *Naxçıvan Xanlığı*, Bakı: Şərq-Qərb.
- Mirzə Adigözl bəy (2006), *Qarabağnamələr*, tərib eden Akif Fərzəliyev, Bakı: Şərq-qərb.
- *Russia and the Armenians of Transcaucasia 1797-1889, a documentary record* (1998), translate by: George Bournoutian, vol.II, California: Mazda Publishers.
- Shopen, I (1852), *Istoricheskiy pamyatnik sostoyaniya armyanskoy oblasti v epokhu yeyo soyedineniya k Rossiyskoy imperii*, Sankt Peterburg.

**List of Sources with English Handwriting (Transliteration)**

- Afshar, M. (1966-67), *Tarikh-e Afshar*. Tabriz: shafaq. **[In Persian]**
- Aziznejad, M & R. Deghani. (2016), The Role and Attitudes of Mohammad Khan Qajar Yerevani in the first wars between Russia and Iran. *Iran history*: No. 19(77/5). [https://irhj.sbu.ac.ir/article\\_95315\\_e7b896007ab2deec88505303d727f321](https://irhj.sbu.ac.ir/article_95315_e7b896007ab2deec88505303d727f321) **[In Persian]**
- Donboli, Abdu al-Razzaq Beg. (2009), *Ma'ather-e soltaniyeh* (Ed. Gh.Zargarinejad), Tehran: Rooznameh-e Iran. **[In Persian]**
- E'tezad al-Saltaneh, A. Q. M. (1991), *Eksir al-Tavarikh*. Tehran: Vasiman. **[In Persian]**
- Etemad al-Saltaneh, M. H.(1988), *Tarikh-e Montazam-e Naseri*. Tehran: World of Books. **[In Persian]**
- Hedayat, R.Q. (2001), *Rouzat al-Safay-e Naseri*. Tehran: Asatir. **[In Persian]**
- Jafariya, F & M. Aziznejad. (2021), The Politics of Otomanism to Russianism in the Relations of Jafar Qoli Khan Donboli with the Qajar Government. *Journal of Historical Researches*, Vol.13, Issue 1, No 49. <https://doi.org/10.22108/JHR.2021.129779.2231> **[In Persian]**
- Jafariya, F. & M. Aziznejad. (2022), The policy of Kalb Ali Khan Kangarloo Nakhjavani towards the Government of Agha Mohammad Khan Qajar: From Convergence to Divergence. *Journal of Historical Researches*, Vol.14, Issue1, No.54. <https://doi.org/10.22108/JHR.2022.131719.2285> **[In Persian]**
- Kangarloo Nakhjavani, M.A.b.M. (No data), *Literacy and decrees of the sultans and princes and rulers of Nader Shah, Sultan Hossein Safavi, Karim Khan Zand, Fath Ali Shah, Abbas Mirza and some Qajar princes and rulers*, manuscript Islamic Council Library and Document Center, No.331. **[In Persian]**
- Khavari Shirazi, F.A. (2001), *Tarikh-e Dhul-Qarneyn*. (Ed.N.Afshar), Tehran: Library

- of the Islamic Council. [In Persian]
- *Documents of the relation between Iran and Russia (from Safavid to Qajar)*.(2008), Translated by Mosalmanian, Q.R. & B. Mosalmanian Qobadiani Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
  - *A collection of historical documents of Iran and Russia in Caucasus (AKAK)*. (2021), compiled by Parghoo, M.A. & Gh.Abdullahi Mantag ,Tabriz: Tabriz University Publications. [In Persian]
  - Qarabaghi, M.Y.(2011), *Tarikh-e Safi*. (Ed. H. Ahmad), Tehran: Institute for the study of Contemporary Iranian History. [In Persian]
  - Sepehr, M. M. T.(1974), *Nasekh al-Tavarikh*, Tehran: Islamiyeh bookstore. [In Persian]
  - Vaqay'e-Negar Marvazi, M.M.S.(1990), *Ahang-e Soroush*, compiled by Hossein Azar, Tehran: Heydari Printing House. [In Persian]

